

به نام خدا

نگاهی به جنبه های کار آفرینی و عملکرد مدیران

مؤلف :

احسان سروری

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۲)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه: سروری، احسان، ۱۳۶۷
عنوان و نام پدیدآور: نگاهی به جنبه های کارآفرینی و عملکرد مدیران/ مولف احسان سروری.
مشخصات نشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری: ۱۰۸ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۴۰۸-۳۵۶-۲
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع: جنبه های کارآفرینی - عملکرد مدیران
رده بندی کنگره: PN۲۱۴۶
رده بندی دیویی: ۸۰۹/۲۰۶
شماره کتابشناسی ملی: ۹۴۹۳۸۵۶
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: نگاهی به جنبه های کارآفرینی و عملکرد مدیران

مولف: احسان سروری

ناشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)

صفحه آرایی، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۲

چاپ: زبرجد

قیمت: ۱۰۸۰۰۰ تومان

فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:

<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۴۰۸-۳۵۶-۲

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

www.chaponashr.ir



فهرست

۷.....	فصل اول: تعریف کارآفرینی و مدیران:
۹.....	مقدمه:
۱۵.....	اهمیت کارآفرینی در دنیای مدرن:
۱۸.....	تفاوت‌ها و شباهت‌های کارآفرین و مدیر:
۲۰.....	ویژگی‌های شخصیتهای کارآفرینان و مدیران موفق:
۲۲.....	ریسک‌پذیری و خلاقیت:
۲۵.....	توانایی مدیریت منابع و تصمیم‌گیری:
۲۷.....	تفکر استراتژیک:
۲۹.....	مدل‌های مختلف کارآفرینی:
۳۲.....	کارآفرینی نوآورانه:
۳۴.....	کارآفرینی اجتماعی:
۳۹.....	فصل دوم: نقش کارآفرینی در رشد اقتصادی و اجتماعی:
۴۱.....	تأثیر کارآفرینی بر اقتصاد ملی:
۴۴.....	ایجاد اشتغال و توسعه اجتماعی:
۴۷.....	کارآفرینی و نوآوری در صنایع مختلف:
۴۹.....	تفاوت‌های مدیریتی در کسب‌وکارهای کارآفرینانه و سنتی:
۵۲.....	شیوه‌های نوین مدیریت در شرکت‌های استارت‌آپی:
۵۴.....	اهمیت مدیریت منابع انسانی در شرکت‌های نوپا:

۵۶	مدیریت نوآوری و خلاقیت در سازمان‌ها :
۵۸	ایجاد محیطی برای نوآوری:
۶۱	فصل سوم : مدیریت تغییرات و تطابق با تکنولوژی‌های جدید:
۶۳	نقش مدیر در تشویق خلاقیت:
۶۵	توسعه رهبری و فرهنگ سازمانی در کارآفرینی :
۶۸	نقش فرهنگ سازمانی در موفقیت کارآفرینی:
۷۰	توسعه مهارت‌های رهبری در کارآفرینان:
۷۲	سبک‌های مختلف رهبری در محیط‌های نوآورانه:
۷۴	مدل‌های موفقیت و شکست کارآفرینان و مدیران :
۷۵	دلایل موفقیت کارآفرینان:
۷۷	چالش‌ها و موانع در مسیر کارآفرینی:
۷۸	تحلیل شکست‌های کارآفرینی و درس‌های آموخته شده:
۸۳	فصل چهارم : فناوری و تأثیر آن بر کارآفرینی و مدیریت:
۸۶	نقش فناوری‌های دیجیتال در کارآفرینی:
۸۸	مدیریت تیم‌های مجازی و پراکنده:
۹۲	تحولات فناوری و تأثیر آن بر سبک مدیریت:
۹۴	مدیریت ریسک در کارآفرینی :
۹۶	شناسایی و ارزیابی ریسک‌ها:
۹۹	تکنیک‌های مدیریت ریسک در استارت‌آپ‌ها:
۱۰۱	مدیریت بحران و برنامه‌ریزی برای آینده:

کارآفرینی در اقتصادهای نوظهور و چالش‌های آن: ۱۰۲

نتیجه‌گیری: ۱۰۴

منابع: ۱۰۷

فصل اول: تعریف کارآفرینی و مدیران:

کارآفرینی به معنای شناسایی فرصت‌های جدید، ایجاد کسب‌وکارهای نوپا و نوآوری در فرایند تولید کالاها و خدمات است. کارآفرینان افرادی هستند که با پذیرش ریسک‌های مالی و اقتصادی، سعی می‌کنند ایده‌های نوآورانه خود را به عمل تبدیل کنند و از آن‌ها برای خلق ارزش استفاده کنند. کارآفرینی به‌عنوان موتور محرک اقتصاد شناخته می‌شود. کارآفرینان با ایجاد شغل، افزایش تولید و ایجاد فرصت‌های اقتصادی جدید، نقش مهمی در رشد و توسعه اقتصادی ایفا می‌کنند. فعالیت‌های کارآفرینانه معمولاً منجر به افزایش رقابت، بهبود کیفیت کالاها و خدمات و افزایش نوآوری می‌شود. کارآفرینان موفق دارای ویژگی‌هایی چون خلاقیت، نوآوری، ریسک‌پذیری، توانایی مدیریت بحران، پشتکار و انگیزه قوی برای دستیابی به اهداف خود هستند. آن‌ها معمولاً از دیدگاه متفاوتی به مشکلات نگاه می‌کنند و راه‌حل‌های جدید و مبتکرانه ارائه می‌دهند (. آذری، م. ۱۳۹۲)

مدیر فردی است که وظیفه هدایت و کنترل فعالیت‌های یک سازمان یا شرکت را بر عهده دارد. او با استفاده از برنامه‌ریزی، سازماندهی، رهبری و نظارت بر منابع انسانی، مالی و فیزیکی سازمان، به دنبال تحقق اهداف است. مدیران باید توانایی حل مسئله و اتخاذ تصمیمات استراتژیک را داشته باشند. در حالی که مدیران معمولاً بر حفظ و بهبود عملکرد یک سازمان تمرکز دارند، کارآفرینان بیشتر به دنبال خلق و توسعه ایده‌های جدید هستند. کارآفرینان ممکن است خودشان مدیر هم باشند، اما تفاوت اصلی در این است که کارآفرینان معمولاً خطر بیشتری را متحمل می‌شوند و بیشتر به نوآوری توجه دارند. مدیران مسئول هدایت فعالیت‌های سازمان و اطمینان از کارکرد صحیح بخش‌های مختلف آن هستند. آن‌ها وظیفه دارند منابع سازمان را به بهترین شکل ممکن به کار گیرند و با ایجاد هماهنگی میان تیم‌ها و بخش‌ها، سازمان را به سمت دستیابی به اهداف تعیین‌شده هدایت کنند.

مدیران موفق دارای مهارت‌های رهبری، ارتباطی، تصمیم‌گیری، حل مسئله و برنامه‌ریزی قوی هستند. آن‌ها باید قادر باشند تا تیم خود را به‌درستی هدایت کنند و با استفاده از استراتژی‌های مناسب، از منابع سازمان بهترین استفاده را ببرند. کارآفرینان موفق باید توانایی مدیریت نیز داشته باشند، چراکه در نهایت کسب‌وکار نوپای آن‌ها نیاز به هدایت و سازماندهی دارد. در بسیاری از موارد، کارآفرینان پس از ایجاد یک شرکت، به مدیران تبدیل می‌شوند و باید وظایف مدیریتی را به‌خوبی انجام دهند تا شرکتشان به رشد و توسعه برسد. یکی از چالش‌های اصلی کارآفرینان پس از موفقیت اولیه در ایجاد کسب‌وکار، مدیریت صحیح آن است. کارآفرینان باید بتوانند تیم‌های کاری مناسب را تشکیل داده و فرهنگ سازمانی موثری ایجاد کنند. همچنین، باید مهارت‌های مدیریتی خود را تقویت کنند تا بتوانند با چالش‌های رشد کسب‌وکار مقابله کنند. نوآوری هم در کارآفرینی و هم در مدیریت اهمیت زیادی دارد. مدیران و کارآفرینان باید همواره در جستجوی راه‌های جدید برای بهبود فرایندها و محصولات باشند. آن‌ها با خلاقیت و نوآوری می‌توانند سازمان‌های خود را در بازار رقابتی پیش‌تاز نگه دارند. برخی از مدیران ویژگی‌های کارآفرینانه نیز دارند. این مدیران که به مدیران کارآفرین معروف‌اند، به دنبال کشف فرصت‌های جدید درون سازمان و بهره‌برداری از آن‌ها برای رشد و توسعه سازمان هستند. این مدیران با نوآوری‌های درون‌سازمانی به بهبود عملکرد و کارایی مجموعه خود کمک می‌کنند.

کارآفرینان باید بتوانند استراتژی‌های مدیریتی مناسبی برای توسعه کسب‌وکار خود تدوین کنند. این استراتژی‌ها شامل برنامه‌ریزی بلندمدت، بهینه‌سازی منابع، توسعه بازار و ایجاد شبکه‌های ارتباطی قوی می‌شود. آن‌ها باید از توانایی خود برای پذیرش تغییرات و تطبیق با شرایط جدید استفاده کنند (هاشمی، ف. ۱۳۹۸).

ریسک‌پذیری یکی از ویژگی‌های مهم هر کارآفرین موفق است. مدیران نیز باید بتوانند ریسک‌های معقول را بپذیرند و در تصمیم‌گیری‌های خود به تحلیل دقیق از شرایط محیطی و داخلی بپردازند. هر چند ریسک در مدیریت با دقت بیشتری کنترل می‌شود، اما اتخاذ

تصمیم‌های جسورانه می‌تواند سازمان را به موفقیت‌های بزرگ‌تری برساند. یکی از اهداف اصلی کارآفرینی و مدیریت، دستیابی به توسعه پایدار است. مدیران کارآفرین باید در نظر داشته باشند که فعالیت‌های آن‌ها نه تنها در کوتاه‌مدت بلکه در بلندمدت نیز تأثیرات مثبتی بر جامعه و محیط زیست داشته باشد. آن‌ها باید به مسئولیت اجتماعی و محیط‌زیستی خود نیز توجه کنند. در دنیای امروز، فناوری نقش حیاتی در موفقیت کارآفرینان ایفا می‌کند. مدیران و کارآفرینان باید از آخرین تکنولوژی‌های موجود برای بهینه‌سازی فرایندهای کسب‌وکار خود استفاده کنند و با بهره‌گیری از ابزارهای دیجیتال، رقابت‌پذیری خود را افزایش دهند. کارآفرینی و مدیریت دو مفهوم مهم در دنیای کسب‌وکار هستند که هر یک نقش خود را در ایجاد، رشد و توسعه سازمان‌ها ایفا می‌کنند. موفقیت در هر دو حوزه نیازمند ترکیبی از خلاقیت، نوآوری، توانایی مدیریتی و ریسک‌پذیری است. مدیران کارآفرین می‌توانند (حسینی، م. ۱۳۹۳)

مقدمه :

کارآفرینی یکی از ستون‌های اساسی در دنیای امروز است که نقش کلیدی در رشد و توسعه اقتصادی دارد. با تبدیل ایده‌های خلاقانه به محصولات و خدمات، کارآفرینان به نوآوری در بازار و افزایش رقابت‌پذیری کمک می‌کنند.

کارآفرینی مفهومی است که از دوران‌های مختلف تاریخی در جوامع بشری وجود داشته، اما با انقلاب صنعتی و توسعه فناوری، این مفهوم به‌طور گسترده‌تری درک و تعریف شد. در دوران مدرن، نقش کارآفرینان به‌عنوان عامل تغییر و تحول در اقتصادها بیشتر به رسمیت شناخته شده است (آذری، م. ۱۳۹۲)

مدیریت یکی از ارکان موفقیت هر سازمانی است. از سوی دیگر، کارآفرینی با تمرکز بر نوآوری و ریسک‌پذیری نقش مهمی در توسعه کسب‌وکارها ایفا می‌کند. مدیران کارآفرین باید بتوانند بین دو نقش هدایت سازمان و پذیرش فرصت‌های جدید تعادل برقرار کنند. امروزه سازمان‌ها برای بقا و رشد در بازارهای رقابتی باید به نوآوری بپردازند. مدیران

موفق باید توانایی به کارگیری تکنولوژی های جدید و ارائه راه حل های خلاقانه برای بهبود فرآیندها و محصولات خود را داشته باشند.

کارآفرینان به عنوان موتور محرک اقتصاد، با شناسایی فرصت ها و بهره برداری از منابع موجود به خلق ارزش و اشتغال زایی می پردازند. آن ها با ایجاد کسب و کارهای نوپا، نه تنها برای خود بلکه برای جامعه نیز ارزش آفرینی می کنند.

کارآفرینی نه تنها به نوآوری و خلاقیت نیاز دارد، بلکه به دلیل پیچیدگی ها و تغییرات مداوم در بازارهای جهانی، کارآفرینان باید بتوانند با چالش هایی همچون نوسانات اقتصادی، رقابت شدید و تغییرات تکنولوژیک نیز مقابله کنند.

مدیران با داشتن دانش و تجربه کافی در زمینه مدیریت منابع، سازمان دهی و هدایت فعالیت های تیمی، نقش حیاتی در توسعه و پایداری کسب و کارها دارند. آن ها باید توانایی تصمیم گیری های استراتژیک و مدیریت بحران را داشته باشند تا سازمان را به سمت موفقیت هدایت کنند. کارآفرینی معمولاً با ریسک پذیری و ایجاد تغییرات در ساختارها و فرآیندهای کسب و کار همراه است، در حالی که مدیریت سنتی بیشتر بر حفظ و بهبود وضعیت فعلی سازمان تمرکز دارد. ترکیب این دو مفهوم می تواند به ایجاد تحول و نوآوری منجر شود. (هاشمی، ف. ۱۳۹۸)

مدیران و کارآفرینان موفق دارای ویژگی های مشترکی همچون خلاقیت، توانایی رهبری، مهارت های ارتباطی و برنامه ریزی استراتژیک هستند. این ویژگی ها به آن ها کمک می کند تا در دنیای پیچیده کسب و کار موفق عمل کنند.

تکنولوژی یکی از عوامل مهمی است که باعث تحول در کارآفرینی و مدیریت شده است. کارآفرینان و مدیران باید با بهره گیری از فناوری های نوین، کسب و کارهای خود را بهینه سازی کنند و با سرعت بیشتری به تغییرات بازار واکنش نشان دهند. کارآفرینان از طریق ایجاد شرکت های جدید و نوآوری در فرآیندهای تولید و خدمات، به رشد اقتصادی

و افزایش تولید ناخالص داخلی کشورها کمک می‌کنند. این رشد باعث ایجاد شغل‌های جدید و بهبود شرایط زندگی در جامعه می‌شود.

نوع دیگری از کارآفرینی که در سال‌های اخیر اهمیت بیشتری پیدا کرده، کارآفرینی اجتماعی است. کارآفرینان اجتماعی تلاش می‌کنند تا با ایجاد کسب‌وکارهای پایدار، مشکلات اجتماعی و زیست‌محیطی را حل کنند و تأثیرات مثبتی بر جامعه بگذارند. رهبری در هر سازمانی نقشی حیاتی دارد. کارآفرینانی که توانایی رهبری و هدایت تیم‌های خود را دارند، موفقیت بیشتری در کسب‌وکارهای خود تجربه می‌کنند. رهبری قوی به ایجاد انگیزه و همکاری در میان اعضای تیم کمک می‌کند.

بخشی ابتدایی هر نوشتار یا کتاب است که هدف و ساختار کلی اثر را به خواننده معرفی می‌کند. این بخش نه تنها اولین گام برای ورود به محتوای اصلی است، بلکه خواننده را به فهم بهتر موضوع و مباحث پیش‌رو هدایت می‌کند.

مدیران موفق دارای توانایی رهبری بالایی هستند. آن‌ها قادرند تیم خود را به درستی هدایت کرده و انگیزه لازم برای پیشبرد اهداف سازمانی را در کارکنان خود ایجاد کنند. این رهبران با ایجاد اعتماد و همدلی در سازمان، به بهبود عملکرد کارکنان کمک می‌کنند. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مدیران موفق، توانایی برقراری ارتباط موثر است. آن‌ها قادرند با تمامی سطوح سازمان به‌طور واضح و دقیق ارتباط برقرار کرده و اطلاعات مهم را به‌درستی منتقل کنند. مهارت در گوش دادن و ارائه بازخوردهای سازنده نیز از جمله توانمندی‌های کلیدی آن‌ها است (حسینی، م. ۱۳۹۳).

مدیران موفق توانایی تصمیم‌گیری در شرایط بحرانی و پیچیده را دارند. آن‌ها با تحلیل دقیق شرایط و بررسی داده‌های موجود، تصمیماتی را اتخاذ می‌کنند که برای سازمان بیشترین منفعت را به همراه داشته باشد. در عین حال، آن‌ها از تصمیم‌گیری سریع و معقول در موقعیت‌های حساس دریغ نمی‌کنند. مدیران موفق همواره به دنبال راه‌های جدید برای بهبود فرآیندها و ارتقای کارایی سازمان هستند. آن‌ها از ایده‌های نوآورانه استقبال

کرده و فضای مناسبی را برای خلاقیت در سازمان فراهم می کنند. توانایی تشویق نوآوری در تیم نیز از دیگر ویژگی های کلیدی آنهاست یکی از خصوصیات بارز مدیران موفق، پشتکار و انگیزه بالا برای دستیابی به اهداف سازمانی است. آنها با انگیزه ای قوی به سوی موفقیت حرکت می کنند و حتی در شرایط سخت نیز از تلاش برای بهبود عملکرد سازمان و تحقق اهداف خود دست نمی کشند.

مدیران موفق قادر به مدیریت بهینه زمان و منابع هستند. آنها می دانند چگونه از منابع محدود سازمان، شامل منابع انسانی و مالی، بهترین استفاده را ببرند و برنامه ریزی دقیقی برای انجام فعالیت ها داشته باشند. این توانایی به بهبود کارایی و بهره وری سازمان کمک می کند مدیران موفق دیدگاهی بلندمدت و استراتژیک به مسائل دارند. آنها قادرند فرصت ها و تهدیدهای پیش رو را شناسایی کرده و برنامه ریزی مناسبی برای آینده سازمان انجام دهند. توانایی تشخیص جهت گیری های استراتژیک به آنها کمک می کند تا سازمان را در مسیر موفقیت هدایت کنند.

مدیران موفق توانایی تجزیه و تحلیل مسائل پیچیده و ارائه راه حل های مناسب را دارند. آنها به جای تمرکز بر مشکلات، بر یافتن راه حل های کاربردی تمرکز می کنند و از ابزارهای مختلفی برای حل مسائل استفاده می کنند. این مهارت به آنها کمک می کند تا در مواجهه با چالش ها بهترین تصمیمات را بگیرند مدیران موفق از تغییرات نمی هراسند و توانایی سازگاری سریع با شرایط جدید را دارند. آنها به سرعت خود را با تحولات محیطی و تغییرات در بازار یا فناوری های جدید هماهنگ کرده و سازمان را به سمت تطبیق و پیشرفت هدایت می کنند مدیران موفق توانایی انگیزه بخشی به تیم خود را دارند. آنها با ایجاد فضای کاری مثبت و حمایتی، کارکنان را تشویق به ارائه بهترین عملکردشان می کنند. ایجاد انگیزه از طریق تشویق و شناسایی دستاوردهای کارکنان یکی از روش های موثر آنها است مدیران موفق به اصول اخلاق حرفه ای پایبند هستند و با صداقت و شفافیت رفتار می کنند. این خصوصیت باعث ایجاد اعتماد در میان کارکنان و ذی نفعان سازمان می شود و محیطی سالم و شفاف را در سازمان به وجود می آورد.

مدیران موفق به یادگیری مداوم و توسعه مهارت‌های شخصی و حرفه‌ای خود اهمیت می‌دهند. آن‌ها همواره در جستجوی بهبود دانش و توانمندی‌های خود هستند و با به‌روز نگه‌داشتن اطلاعاتشان می‌توانند سازمان را با روندهای جدید و نوآوری‌ها هماهنگ کنند. هدف اصلی، فراهم کردن یک دید کلی و پیش‌زمینه‌ای از موضوع مورد بررسی است. این بخش باید خواننده را با مسئله، اهمیت و ضرورت پرداختن به آن آشنا کند و مسیر بحث را مشخص کند. همچنین بستری برای طرح سؤالات اصلی یا فرضیات نویسنده فراهم می‌آورد. فرصتی برای جذب توجه خواننده و ایجاد انگیزه برای ادامه مطالعه است. نوشتن مقدمه به شکلی جذاب و ارائه دلایل قانع‌کننده برای اهمیت موضوع می‌تواند نقش مهمی در علاقه‌مندی مخاطب ایفا کند (هاشمی، ف. ۱۳۹۸).

باید یک نگاه کلی به ساختار و محتوای اثر ارائه دهد. این بخش به خواننده کمک می‌کند تا بداند چه موضوعاتی در ادامه بررسی خواهند شد و به چه سوالاتی پاسخ داده خواهد شد. یکی از وظایف مهم مقدمه، بیان واضح و مختصر مسئله یا موضوع اصلی است. این بیان به خواننده کمک می‌کند تا درک کند که نویسنده چه مسئله‌ای را بررسی می‌کند و چرا این موضوع حائز اهمیت است. معمولاً چارچوب نظری یا مفهومی که نویسنده در طول نوشتار از آن استفاده خواهد کرد را معرفی می‌کند. این امر به خواننده امکان می‌دهد تا با دیدگاه و رویکرد نویسنده در مواجهه با موضوع آشنا شود (آذری، م. ۱۳۹۲).

باید به گونه‌ای نوشته شود که به صورت پیوسته و هموار خواننده را به متن اصلی هدایت کند. هر گونه مقدمه‌ای که به صورت ناگهانی وارد محتوای اصلی شود، ممکن است باعث گیجی و عدم درک صحیح خواننده شود. در باید دامنه بحث و موضوعاتی که قرار است پوشش داده شوند، مشخص گردد. این کار به خواننده کمک می‌کند تا انتظارات خود را از محتوای کتاب تنظیم کرده و بداند که چه مباحثی در حیطه بحث قرار دارند و چه مواردی خارج از آن هستند.

اگر نوشتار یا کتاب به یک پژوهش علمی اختصاص دارد، در باید به اهمیت و ضرورت انجام این پژوهش پرداخته شود. این بخش می‌تواند دلایل انجام پژوهش و اینکه چرا این موضوع

از اهمیت خاصی برخوردار است را توضیح دهد. گاهی شامل مرور کوتاهی از پیشینه تحقیق است. این بخش به بررسی مطالعات و کارهای قبلی انجام شده در زمینه موضوع نوشتار می پردازد و نشان می دهد که نویسنده چگونه قصد دارد به گسترش یا نقد آن ها بپردازد.

یکی از موارد مهم در ، ارائه اهداف نویسنده از نگارش این اثر است. بیان دقیق و واضح این اهداف به خواننده کمک می کند تا بداند که نویسنده به دنبال پاسخ به چه سوالات یا حل چه مسائلی است.

یک موفق باید علاوه بر ارائه اطلاعات کلی، به نحوی شخصی سازی شود که با دیدگاه، سبک و لحن نویسنده همخوانی داشته باشد. این کار می تواند تاثیرگذاری نوشتار را افزایش داده و خواننده را به دنیای فکری نویسنده نزدیک تر کند. باید مسئله اصلی را به طور خلاصه معرفی کند و سوالات کلیدی را که در طول متن به آن ها پرداخته می شود، مطرح نماید. این امر به خواننده دیدی کلی از موضوع ارائه می دهد و او را برای مطالعه عمیق تر آماده می کند (.حسینی، م. ۱۳۹۳)

یکی از وظایف مهم مقدمه، معرفی ساختار و ترتیب مباحث است. این کار به خواننده کمک می کند تا در طول نوشتار، مسیر بحث را بهتر دنبال کرده و به طور منظم با ایده های نویسنده آشنا شود. باید یک نگاه کلی به محتوای آتی نوشتار ارائه دهد و خواننده را به آنچه که در ادامه خواهد آمد، راهنمایی کند. این پیش نمایش مختصر می تواند به خواننده کمک کند تا تصمیم بگیرد که آیا می خواهد ادامه مطلب را مطالعه کند یا خیر. در باید به تعریف مفاهیم کلیدی و مهم که در طول نوشتار به آن ها پرداخته می شود، پرداخته شود. این کار به درک بهتر خواننده از موضوع و مفاهیمی که نویسنده به آن ها اشاره می کند، کمک می کند.

باید با یک جمله یا پاراگراف نهایی جمع بندی شود که خواننده را به مطالعه بخش های بعدی ترغیب کند. خاتمه مقدمه می تواند با یک سوال یا چالش فکری به پایان برسد تا خواننده علاقه مند به ادامه مطلب باشد.

اهمیت کارآفرینی در دنیای مدرن:

کارآفرینی به‌عنوان یک موتور محرک اصلی برای رشد اقتصادی شناخته می‌شود. با ایجاد کسب‌وکارهای جدید، کارآفرینان به افزایش تولید ناخالص داخلی کمک کرده و فرصت‌های شغلی جدیدی را برای افراد مختلف فراهم می‌کنند. این موضوع به کاهش نرخ بیکاری و بهبود وضعیت اقتصادی جوامع منجر می‌شود. کارآفرینان با ایجاد ایده‌های جدید و نوآورانه به توسعه فناوری‌های جدید کمک می‌کنند. شرکت‌های کارآفرین در دنیای مدرن به‌عنوان محرکان اصلی نوآوری و پیشرفت تکنولوژیکی شناخته می‌شوند که نقش کلیدی در افزایش کارایی و بهبود کیفیت زندگی افراد دارند. کارآفرینی با ایجاد رقابت در بازار، کیفیت محصولات و خدمات را بهبود می‌بخشد. رقابت سالم و فزاینده باعث می‌شود تا شرکت‌ها تلاش کنند نوآورتر، کارآمدتر و مشتری‌محورتر باشند. این روند در نهایت به نفع مصرف‌کنندگان و جامعه است (هاشمی، ف. ۱۳۹۸).

بسیاری از کارآفرینان اجتماعی با ایجاد کسب‌وکارهایی که به حل مشکلات اجتماعی و اقتصادی می‌پردازند، به بهبود جامعه کمک می‌کنند. آن‌ها در زمینه‌هایی مانند محیط‌زیست، بهداشت، آموزش و فقرزدایی فعالیت می‌کنند و با رویکردهای نوین به مسائل اجتماعی پاسخ می‌دهند. کارآفرینی به توسعه پایدار اقتصادی کمک می‌کند. کسب‌وکارهای جدید با ایجاد نوآوری‌های پایدار و بهینه‌سازی مصرف منابع طبیعی، به کاهش وابستگی به منابع محدود کمک کرده و به پایداری بلندمدت اقتصاد و محیط‌زیست کمک می‌کنند. کارآفرینان با ایجاد صنایع و کسب‌وکارهای جدید به تنوع‌بخشی به اقتصاد ملی کمک می‌کنند. این تنوع باعث می‌شود که کشورها در برابر شوک‌های اقتصادی و تغییرات بازار جهانی مقاوم‌تر شوند و فرصت‌های جدیدی برای توسعه اقتصادی فراهم آید.

کارآفرینی فرهنگ کارآفرینی و خلاقیت را در جامعه ترویج می‌کند. افراد با مشاهده موفقیت کارآفرینان، تشویق به پیگیری ایده‌های خلاقانه خود می‌شوند. این امر باعث شکل‌گیری جامعه‌ای پویا و نوآور می‌شود که به دنبال بهبود مستمر و خلق ارزش‌های جدید است.